

پیشگیری از خشونت خانگی در جامعه متدین

سیده مریم طباطبایی ندوشن*

اشاره

«خشونت خانگی» پدیده‌ای جهان‌شمول است که با وجود تأکیدات دینی بر روابط مبتنی بر اخلاق و احترام، متأسفانه در جوامع متدین نیز مشاهده می‌شود. این نوشتار به روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به متون دینی، روان‌شناسی خانواده و علوم اجتماعی، با هدف تبیین مصادیق و راهکارهای پیشگیری از خشونت خانگی در جامعه متدین تدوین شده است و تأکید ویژه‌ای بر آموزه‌های دینی و ارائه راهبردهای مبتنی بر ظرفیت‌های فرهنگی - ارزشی دارد. انتظار می‌رود این نوشتار بتواند به جامعه متدین، سرمایه‌های غنی دینی و گنجینه‌های اخلاقی خود را یادآوری کند تا با تصحیح برداشت‌های نادرست، ترویج الگوی روابط مبتنی بر کرامت انسانی و با فعال کردن شبکه‌های اجتماعی - مذهبی، سهمی در پیشگیری و کاهش حداکثری خشونت خانگی داشته باشد.

مقدمه

«خشونت خانگی»، هرگونه فشار، کشمش، تهدید، زورگویی، توهین، تحقیر و آسیب جسمی و روانی به اعضای خانواده را دربر می‌گیرد. خشونت خانگی در جامعه متدین، عبارتی متناقض با دواژه ناسازگار با هم (خشونت - متدین) است و نخستین چیزی که به ذهن متبادر می‌کند، این است که چگونه در جامعه دین‌محور که اصول بنیادینش بر محبت، عدالت و اخلاق است، پدیده‌ای شوم مانند خشونت خانگی می‌تواند رخ دهد؟! از آنجاکه سلامت روان فرد، استحکام خانواده و انسجام جامعه از اهداف دین و دینداری است، خشونت خانگی به همه این اهداف مقدس در جامعه آسیب وارد می‌کند.

* کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی و پژوهشگر حوزه خانواده.

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله هدف بعثت خود را «اکمال مکارم اخلاق» بیان کردند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»؛^۱ همچنین خشونت بین اعضای خانواده را در تضاد کامل با تمام فضایل و مکارم اخلاقی مانند رحمت، عطف، عدالت و صبر می‌دانند؛ از این رو می‌فرمایند: «بی‌گمان دورترین شما از من در قیامت، کسی است که به خانواده خود بیشتر ستم کرده باشد».^۲ این حدیث به روشنی نشان می‌دهد ستم به خانواده، معنایی جز انحراف از دین نیست و هر اندازه انسان در قیامت دورتر از پیامبر باشد، به‌یقین انحراف بیشتری از دین اسلام داشته است. رسول مهربانی در جایی دیگر می‌فرماید: «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَ أَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي»؛^۳ بهترین شما کسی است که با خانواده خود، بهترین رفتار را دارد و من بهترین شما هستم در برابر خانواده‌ام».

با مطالعه روایات و احادیث معتبر به برداشت علمی و مستندی از متون دینی می‌رسیم که نشان می‌دهد خشونت خانگی تنها یک «بزه اجتماعی» نیست، بلکه نشانه انحراف از مسیر حقیقی دینداری است و رفتار با اعضای خانواده مهم‌ترین معیار سنجش فضایل اخلاقی و چه بسا ایمان یک مسلمان در دین اسلام معرفی شده است. دو حدیث نقل شده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بخش‌های پیشین (درباره شایسته‌ترین افراد و دورترین افراد از ایشان در روز قیامت) معیاری دقیق برای سنجش و ارزیابی خویشتن در اختیار ما قرار می‌دهد. به منظور دریافت اینکه تا چه حد از ایمان راستین و خُلق نیک برخورداریم، می‌بایست توجه کنیم که در خلوت خانه و زمانی که چشم بیگانه‌ای بر ما نظاره ندارد، با نزدیک‌ترین افراد به خود چگونه رفتار می‌کنیم؛ این صحنه، بزرگ‌ترین عرصه برای جهاد اکبر (مبارزه با نفس) به شمار می‌رود.

این مقاله در پی آن است که با شناسایی گونه‌های خشونت خانگی و تبیین پیامدهای هر یک بر سلامت روانی افراد و انسجام خانواده، به آگاهی‌بخشی و اصلاح نگرش اعضای خانواده (شامل همسران و فرزندان) در حوزه روابط متقابل بپردازد. برای دستیابی به این هدف، باورها و تفسیرهای دینی و علمی که در پیشگیری یا عدم تداوم خشونت می‌توانند سهمی داشته باشند، واکاوی شده‌اند و درنهایت، راهبردهای پیشگیرانه‌ای ارائه شده است.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۰.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۶۲.

۳. محمد بن علی ابن بابویه، مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه، ج ۴، ص ۳۷۴.

انواع خشونت خانگی

هدف از بررسی و طبقه‌بندی انواع خشونت خانگی، تبیین تمامی ابعادی است که می‌تواند موجب ایجاد احساس ناامنی، تنش و ناخوشایندی جسمی یا روانی در روابط متقابل اعضای خانواده شوند تا مخاطب درکی جامع و همه‌جانبه از اشکال گوناگون خشونت و آزار بیابد.

۱. خشونت فیزیکی

این نوع، آشکارترین شکل خشونت است و اعمالی چون هل دادن، ضرب و شتم، گازگرفتن، ایجاد جراحت، سوزاندن و استفاده از سلاح علیه اعضای خانواده را دربر می‌گیرد. از آنجاکه خشونت فیزیکی استفاده از توانایی بدنی علیه شخص دیگر است، مردان بیشتر مرتکب این خشونت در برابر همسر و فرزندان خود می‌شوند و گاه حتی مادران در لحظات عصبانیت، آن را در قبال کودکان و فرزندان خود اعمال می‌کنند. پیامبر مهربانی‌ها، بارها درباره رعایت حقوق زنان به مردان جامعه مسلمانان هشدار داده‌اند و با جمله «لَا تَضْرِبُوا نِسَاءَكُمْ: زنان را نزنید». عواقب اخروی ضرب و شتم زنان و تشابه این رفتار به رفتار جاهلی را به امت یادآور شدند. همچنین ایشان می‌فرمایند: «در مورد زنان [و در رفتار با آنان] از خدا پروا کنید؛ زیرا آنان نزد شما امانت هستند».^۲

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در جایی دیگر فرمودند: «هر مردی که به صورت همسرش سیلی بزند، خدا به فرشته مأمور دوزخ [مالک] دستور می‌دهد که در دوزخ هفتاد سیلی بر صورتش بزند و هر مردی که دستش را بر موهای زن مسلمانی بگذارد [برای اذیت موی سرش را بگیرد]، در دوزخ دست‌هایش با میخ‌های آتشین کوبیده می‌شود».^۳

امام صادق علیه السلام به صراحت زدن همسر را عملی عنوان کرده‌اند که خشم خدا و رسولش را به دنبال دارد و این شدیدترین نوع نهی در فرهنگ دینی محسوب می‌شود: «اگر مردی زنش را بزند، خداوند عز و جل و پیامبرش از او خشمگین می‌شوند».^۴

۱. حسن بن محمد دیلمی، إرشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۷۵.

۲. محمد بن حسن حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، ج ۲۰، ص ۱۷۱.

۳. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۲، ص ۵۵۰.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۱۹.

در باره نهی از ضرب و شتم فرزند نیز روایات و احادیث معتبری بیان شده است که گاه بیان کننده عذاب های اخروی ضرب و شتم و گاه یادآوری کننده آثار روانی آن هستند؛ از جمله امام صادق علیه السلام فرمود: «پرهیز از زدن فرزندان؛ چراکه زدن آنان، حیا و شرمشان را از بین می برد»؛^۱ یعنی سبب بی پروایی و گستاخی فرزندان می شود.

۲. خشونت رفتاری

خشونت رفتاری به هرگونه رفتار یا گفتاری اطلاق می شود که فرد را در حالت تحریم قرار می دهد و سلامت روان، عزت نفس و احساس امنیت عاطفی او را به خطر می اندازد. این رفتارهای آزاردهنده اگرچه ممکن است بدون ضربه فیزیکی باشند، عمیق ترین زخم ها را در روان فرد بر جای می گذارند و مسئولیت اخلاقی و شرعی سنگینی برای مرتکب آنها ایجاد می کنند. این موارد عبارت اند از:

الف) اخم کردن و ترش رویی دائمی: این رفتار نوعی خشونت سرد است که فضای خانه را مسموم و احساس طردشدگی در اعضای خانواده ایجاد می کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «از ترش رویی پرهیز؛ چراکه ترش رویی از خصلت های دوزخیان است».^۲

مفهومی در روان شناسی اجتماعی و نیز علوم اعصاب وجود دارد که از آن به «اثر میرایی عاطفی»^۳ نام برده می شود. «اثر میرایی عاطفی» به پدیده ناخودآگاه و خودکار انتقال حالات عاطفی و هیجانی از یک فرد به فرد دیگر اشاره دارد. فرد در این فرایند به گونه ای غیرارادی، احساسات فرد مقابل را تقلید، بازتولید و در نهایت آنها را درونی می کند؛ گویی که این احساسات از ابتدا متعلق به خود او بوده است؛ برای نمونه فردی اخمو و عصبانی وارد اتاقی شاد و پرانرژی می شود؛ او در ابتدا چیزی نمی گوید، اما احساسات منفی او مانند «ویروس عاطفی» در فضا پخش می شود، به سرعت انرژی مثبت اتاق کاهش می یابد، صحبت ها کم می شود و دیگران نیز بدون آنکه دلیلش را بدانند، احساس ناخوشایندی پیدا می کنند. این مسئله همان «اثر میرایی عاطفی» در عمل است.

۱. محمد بن حسن حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، ج ۲۱، ص ۴۸۶.

۲. حسن بن علی بن شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، ص ۳۸.

۳. Emotional Contagion.

در محیط خانواده، اخم کردن یا ترش رویی اعضای خانواده به سرعت به دیگران تسری می‌یابد و فضای کل خانه را ملتهب، سرد و پرتش می‌کند.

«اثر میرایی عاطفی» به ما هشدار می‌دهد که احساسات ما یک مسئولیت اجتماعی است؛ بنابراین اخم کردن ما تنها یک رفتار شخصی نیست، بلکه عامل تأثیرگذار قدرتمندی بر محیط عاطفی اطرافیان است.

ب) منزوی کردن و محرومیت از ارتباطات اجتماعی: این کار که گاهی با عنوان «حفظ حریم خانواده» توجیه می‌شود، اگر افراطی و کنترل‌گرایانه باشد، مصداق آزار روانی است. خداوند متعال در آیات مختلفی بر حق رفت‌وآمد و حفظ ارتباطات سالم خویشاوندی تأکید کرده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا»^۱ ای مردم، از [مخالفت] پروردگارتان بپرهیزید؛ همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید و همسر او را [نیز] از جنس او خلق کرد و از آن دو، مردان و زنان فراوانی [در روی زمین] منتشر ساخت. و از خدایی بپرهیزید که [همگی به عظمت او معترفید؛ و] هنگامی که چیزی از یکدیگر می‌خواهید، نام او را می‌برید. [و نیز] [از قطع رابطه با] خویشاوندان خود، بپرهیز کنید؛ زیرا خداوند، مراقب شماست».

گاهی مردان به بهانه غیرت و گاه زنان به دلایل مختلفی مانند حسادت، حساسیت، انتقام‌گیری از خانواده همسر و... مانع رفت‌وآمد همسر یا فرزند با خویشان یا دوستان مورد اعتماد می‌شوند.

ج) اتخاذ تصمیم‌های مهم زندگی به صورت یک‌طرفه و بدون مشورت با همسر: مانند خرید و فروش اموال مهمی مانند خانه و ماشین، فروش یک دارایی مشترک به صورت پنهانی، دعوت یا منع مهمان، برنامه‌ریزی برای مسافرت‌های بزرگ.

د) مجبور کردن به انجام اعمال خلاف عرف و شرع: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «بپرهیزید از ستم کردن به کسی که یآوری جز خدا در برابر شما ندارد».^۲ همسر یا فرزندی که در محیط خانه،

۱. نساء: ۱.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۸۰.

امکان دفاع از خود را ندارد، یکی از مصادیق بارز این حدیث هستند. مصادیق ذکر شده از خشونت رفتاری، حس بی‌ارزشی و عدم تعلق را در طرف مقابل (همسر یا فرزند) ایجاد می‌کند.

۳. خشونت کلامی

خشونت کلامی یکی از اشکال فراوان خشونت خانگی است که به استفاده از زبان برای تحقیر، تهدید، کنترل و ایجاد آسیب روانی در اعضای خانواده اطلاق می‌شود و آثار آن برخلاف خشونت فیزیکی، اغلب نامرئی است و تأثیرات عمیق و ماندگاری بر سلامت روان، عزت نفس و عملکرد شناختی قربانیان دارد. مقابله با خشونت کلامی به مثابه یک علت اولیه می‌تواند از سایر خشونت‌های خانگی مانند خشونت فیزیکی و خشونت رفتاری نیز جلوگیری کند.

بی‌شک خشونت کلامی در بافت روابط خانوادگی، به دلیل تداوم و وابستگی عاطفی میان طرفین، اثری دوچندان دارد و می‌تواند چرخه‌ای بین‌نسلی از الگوهای ارتباطی ویران‌کننده ایجاد کند. آسیب‌های روانی خشونت کلامی و بحث و مشاجره دائمی بین همسران، تنها برای آنان آسیب‌های روحی و فشار روانی را به دنبال ندارد، بلکه آسیب‌های روانی آن می‌تواند از تأثیر طلاق بر فرزندان بیشتر باشد. در ادامه به مهم‌ترین انواع خشونت کلامی اشاره می‌کنیم.

الف) تحقیر، برچسب‌زدن و القاب ناشایست: استفاده از الفاظی مانند «بی‌عرضه»، «فهم» یا صدازدن با القاب زشت، مصداق بارز خشونت کلامی است. خداوند متعال به‌صراحت می‌فرماید: «وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ»^۱ و یکدیگر را مورد طعن و عیب‌جویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید.

ب) تمسخر: مسخره‌کردن ایده‌ها، علایق و توانایی‌های همسر و فرزند نمونه دیگری از خشونت کلامی است که حس ارزشمندی و اعتماد به نفس آنها را نشانه می‌رود.

ج) تهدید و ترساندن: گفتن جملاتی مانند «اگر این کار را بکنی، از خانه می‌اندازمت بیرون» یا «دیگر دوست ندارم» و «طلاق می‌گیرم یا طلاق می‌دهم»، احساس ناامنی و بی‌پناهی شدیدی به اعضای خانواده می‌دهد؛ اعضای خانواده با شنیدن این نوع تهدید از غریبه‌ها آن‌چنان آسیبی نمی‌بینند که از همسر یا والدین خود که نزدیک‌ترین انسان‌ها در کره

خاکی به آنها هستند، این کلمات را بشنوند.

د) داد و فریاد: یافته‌های علمی به خوبی نشان می‌دهند که چگونه صحبت کردن یعنی لحن کلام، به اندازه آنچه می‌گوییم (محتوا) اهمیت دارد. لحن مناسب سنگ‌بنای ارتباط سالم در خانواده است. متأسفانه در بسیاری از خانواده‌ها و نیز خانواده‌های مذهبی، نزدیکی قلبی - عاطفی و خونی سبب فراموش شدن اهمیت لحن گفتگو شده است؛ از این رو پیام‌های عادی که در ظاهر خشونتی ندارند، با صدای بلند، لحن تند و گاه با فریاد و پرخاشگری با همسر و فرزند مبادله شود. در حالی که پژوهش‌های علم ارتباطات به روشنی نشان می‌دهند که لحن صحبت، اغلب تأثیری قوی‌تری از محتوای کلام بر گیرنده پیام دارد. بر اساس پژوهش معروف آلبرت محرابیان، تنها ۷٪ از درک پیام به کلمات اختصاص دارد، در حالی که ۳۸٪ به لحن صدا و ۵۵٪ به زبان بدن مرتبط است.^۱ این یافته‌ها در بافت خانواده اهمیت ویژه‌ای می‌یابند؛ چرا که لحن خشن حتی با محتوای مثبت می‌تواند موجب فعال شدن سیستم تهدید مغز و ترشح هورمون استرس شود؛ در حالی که لحن ملایم و محبت‌آمیز، پیام‌های منفی را نیز تحمل‌پذیرتر می‌کند. مطالعات عصب‌شناختی نیز تأیید می‌کنند که لحن صحبت گوینده به گونه‌ای مستقیم بر سطح کورتیزول (هورمون استرس)، فعالیت آمیگدال (مرکز پردازش ترس) و ترشح اکسیتوسین (هورمون اعتماد و پیوند) در شنونده یا شنوندگان تأثیر می‌گذارد.

خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا»^۲ با مردم به نیکی سخن بگویید؛ امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «از خشم بپرهیزید؛ زیرا آن باعث خشم خداوند است».^۳

ه) دستورات تحکم‌آمیز: یکی از ویران‌کننده‌ترین الگوهای ارتباطی که مورد توجه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی نیز قرار گرفته است، به کار بردن «دستورات تحکمی» است. این دستورات که در قالب جملات امری فاقد ملاحظه، توضیح یا حق انتخاب بیان می‌شوند، ماهیتی سلطه‌گرانه دارند و بیش از آنکه یک درخواست باشند، فرمانی یک‌طرفه به شمار می‌آیند.

۱. Mehrabian, A. (۱۹۷۱). Silent Messages. Wadsworth.

۲. بقره: ۸۳.

۳. ابوالفتح آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ح ۱۲۴۹.

این‌گونه گزاره‌ها مصداق بارز خشونت کلامی هستند؛ چراکه با نادیده‌گرفتن اختیار، کرامت و نظر فرد مقابل، به تدریج بنیان‌های احترام متقابل را در خانواده فرومی‌ریزند. وقتی ارتباط از حالت گفتگو به سمت فرمان‌دهی سوق پیدا می‌کند، فضای خانواده از محیط امن عاطفی به میدان قدرت بدل می‌گردد که در آن رنجش عمیق و فاصله عاطفی جایگزین صمیمیت و همکاری می‌شود. دستور تحکمی، رابطه را به «فرمانده - فرمانبردار» تقلیل می‌دهد و خشونت کلامی محسوب می‌شود؛ درحالی‌که درخواست محترمانه، حرمت رابطه و استقلال فرد را حفظ می‌کند و به جای ایجاد تنش، زمینه‌ساز همکاری است.

و) مقایسه‌کردن منفی با گفتن جملاتی مانند «چرا مثل فلانی درسخوان نیستی؟» یا «باجنایت از تو بهتر است»؛ همسران و پدر و مادرهایی که در خانه همواره از استعدادها و توانایی‌های بچه‌های فامیل یا همسران دیگران صحبت می‌کنند و همسران و فرزندان را با آن‌ها مقایسه می‌کنند، نوعی خشونت کلامی دارند. مقایسه همسر یا فرزندان با دیگران اغلب با هدف ترغیب فرد به تغییر یا پیشرفت انجام می‌شود؛ اما در عمل نتایج کاملاً معکوس به همراه دارد. مقایسه منفی از مصادیق خشونت کلامی - روانی است که موجب به‌وجودآمدن سه نتیجه ویران‌کننده در افراد می‌شود: دامن‌زدن به رقابت ناسالم و کینه‌توزی؛ تخریب حس هویت و خودپنداره؛ ایجاد چارچوب «شرطی شدن» برای عشق و پذیرش.

ز) سرزنش و عیب‌جویی دائمی: به‌رخ‌کشیدن مداوم اشتباه‌های گذشته فرزند یا همسر و به دنبال بهانه‌بودن برای عیب‌جویی از ظاهر یا رفتار آنها یکی از مصادیق مهم خشونت کلامی در خانواده است. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «سخت‌ترین عذاب در روز قیامت، برای کسی است که مؤمنی را خوار کند یا بی‌احترامی نماید».^۱

ح) بی‌توجهی کلامی: پاسخ‌ندادن به پرسش‌های اعضای خانواده، قهرکردن‌های طولانی، نادیده‌گرفتن حرف‌های آنها و سکوت عمدی از مصادیق خشونت کلامی یا بی‌توجهی کلامی است. این سکوت از هر فریاد توهینی دردناک‌تر است و پیامش این است: «تو لیاقت حتی توضیح هم نداری».

والدین یا همسران اگر به هر دلیلی خسته، عصبانی یا بی‌حوصله هستند، باید به جای

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۳۱.

سکوت مثلاً بگویند: «الان عصبانی‌ام و نیاز دارم ده دقیقه تنها باشم تا آرام شوم. بعد با هم حرف می‌زنیم». این تفاوت «سکوتِ طردکننده» و «مهلتِ محترمانه» است. در هر دو حالت نوعی سکوت وجود دارد؛ اما یکی زهر را در قلب رابطه تزریق می‌کند و دیگری پانسمانی بر زخم‌های رابطه است.

ط) توهین به دوستان و علائق: از منظر روان‌شناسی رابطه، دوستان و علائق تنها سرگرمی یا ارتباطات ساده نیستند، بلکه بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت شخصی، جهان اجتماعی و نظام ارزشی فرد را شکل می‌دهند. حمله به این حوزه‌ها در واقع حمله به خود اصلی فرد است. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «کسی که مؤمنی را در نظر خود خوار کند، [این کار] از کشتن او شدیدتر است».^۱

ی) نفرین: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره ویژگی‌های فرد مؤمن می‌فرمایند: «مؤمن هیچ‌گاه عیب‌جو، لعن‌کننده، بی‌حیا و بدزبان نیست».^۲

۴. خشونت مالی و اقتصادی

این خشونت شامل محروم‌سازی و محدودکردن دسترسی اعضای خانواده به‌ویژه همسر به منابع مالی، اجازه‌ندادن برای مدیریت دارایی‌های شخصی و خودداری از تأمین هزینه‌های ضروری زندگی است. این خشونت می‌تواند هم از سوی زن و هم از طرف زن اعمال شود؛ اما مصادیق آن در مردان بیشتر است. می‌توان گفت ستم مالی به همسر در اسلام حرام است؛ بنابراین تصرف در اموال شخصی زن (از جمله ارث، مهریه، درآمد شخصی) بدون رضایت او حرام و نوعی «ظلم» به شمار می‌آید.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»^۳ و بر آن کس که فرزند برای او متولد شده [= پدر]، لازم است خوراک و پوشاک مادر را به‌طور شایسته [در مدت شیردادن بپردازد؛ حتی اگر طلاق گرفته باشد].^۴

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «همانا برای گناهکار بودن شخص بس است که کسانی را که

۱. همان.

۲. علاءالدین المتقی الهندی، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، ج ۳، ص ۴۷۱، ح ۷۶۱۶.

۳. بقره: ۲۳۳.

تحت تکفل او هستند، تباه سازد [و نیازهایشان را برآورده نکند]^۱.

۵. خشونت دیجیتال

با گسترش فناوری‌های هوشمند، این نوع خشونت در خانواده‌ها رو به افزایش نهاده است. خشونت دیجیتال به معنای غرق شدن اعضا در فضای مجازی و ابزارهای دیجیتال است؛ به گونه‌ای حضور دیگران نادیده گرفته می‌شود و گفتگوی مؤثر و ارتباط عاطفی در خانواده به کمترین میزان می‌رسد.

پدیده نوظهور «خشونت دیجیتال» در جایگاه یکی از ویران‌کننده‌ترین اشکال خشونت مدرن، کانون توجه پژوهشگران علوم ارتباطات و روان‌شناسی خانواده قرار گرفته است و در پشت ظاهر پیچیده و جذاب فناوری پنهان می‌شود.

خشونت دیجیتال در بستر خانواده را می‌توان به مثابه «غرق‌شدگی اجباری اعضا در فضای مجازی و ابزار دیجیتال» تعریف کرد؛ تا حدی که حضور فیزیکی و عاطفی دیگران نادیده گرفته می‌شود و گفتگوی مؤثر و تعامل چهره‌به‌چهره به حداقل ممکن می‌رسد. این پدیده از منظر نظریه «ساختار خانواده»، یک تهدید جدی محسوب می‌شود؛ چرا که با تضعیف «حضور کیفی» که سنگ‌بنای صمیمیت و انسجام عاطفی است، به تدریج شبکه ارتباطی خانواده را از درون تهی می‌کند.

راهبردهای پیشگیری از خشونت خانگی در جامعه متدین

۱. راهبردهای پیشگیرانه در سطح فردی و خانوادگی

الف) تقویت بازدارنده‌های درونی: تقویت ایمان و تقوا، قوی‌ترین عامل بازدارنده از ظلم و تجاوز به حقوق دیگران است. ترس از خداوند، درونی‌ترین و مؤثرترین ضمانت اجرای اخلاق در خانواده است.

ب) آموزش و ترویج اخلاق اسلامی اصیل: تبلیغ مفاهیمی مانند «حلم» (بردباری)، «عفو» (گذشت)، «تواضع» و «محبت» به مثابه ارزش‌های برتر، اساس پیشگیری از خشونت در یک جامعه دینی است؛ تبلیغ و تدریس مصادیق عملی «معاشرت به معروف» در مدارس،

۱. سلیمان بن الاشعث ابوداود، سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۴۴، ح ۱۶۹۲.

دانشگاه‌ها، منابر و جلسات مذهبی ضروری است.

ج) ارتقای مهارت‌های زندگی: گنجاندن آموزش‌های مهارت ارتباط مؤثر، حل تعارض، مدیریت خشم و آموزش تکنیک‌های عملی کنترل خشم (مانند تغییر موقعیت، وضوگرفتن، سکوت) و مهارت‌های فرزندپروری مبتنی بر عطفوت در برنامه‌های آموزشی کارکنان دولت، مدارس، مساجد و مراکز دینی.

د) بازتعریف نقش‌های خانوادگی بر اساس مشارکت و مودت: تبیین مفهوم «قوامیت» به عنوان مسئولیت‌پذیری و خدمت‌گزاری، نه حق حاکمیت و سلطه برای مردان.

۲. راهبردهای پیشگیرانه در سطح اجتماعی - نهادی

الف) توانمندسازی مشاوران و مبلغان دینی: آموزش مشاوران خانواده در مساجد و حسینیه‌ها برای شناسایی، مداخله و ارجاع صحیح موارد خشونت خانگی.

ب) تأسیس و تقویت مراکز مشاوره خانواده وابسته به نهادهای دینی: ایجاد فضای امن، محرمانه و قابل اعتماد برای قربانیان و خانواده‌ها.

ج) تولید محتوا و گفتمان‌سازی: تولید محتوای مکتوب، چندرسانه‌ای و سخنرانی از سوی عالمان و شخصیت‌های محبوب دینی که به‌صراحت علیه خشونت خانگی موضع می‌گیرند و تفسیرهای درست را ترویج می‌کنند، به موازات تولید محتوا از شیوه رفتار مودتی بزرگان دینی در ارتباط با همسر و فرزندان.

۳. راهبردهای پیشگیرانه در سطح فقهی - حقوقی

الف) اجتهاد پویا و پاسخ‌گو: بازخوانی آرای فقهی در مورد مسائل خانوادگی با توجه به مقتضیات زمان و با هدف تحکیم خانواده و پیشگیری از ظلم.

ب) آگاهی‌بخشی از حقوق شرعی: روشن کردن اینکه خشونت از نظر شرعی حرام است و قربانی حق دارد از خود دفاع کند و به حاکم شرع مراجعه نماید.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن‌بابویه، محمد بن علی، مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.

۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، محقق/ مصحح: علی اکبر غفاری، ج ۲، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۳ ش.
۳. ابوداود، سلیمان بن الأشعث، سنن ابی داود، بیروت: دارالفکر، [بی تا].
۴. آمدی، ابوالفتح، غررالحکم و دررالکلم، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ ق.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۴ ق.
۶. سیدالرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه: سیدجعفر شهیدی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸ ش.
۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۸. المتقی الهندی، علاءالدین، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۵ ق.
۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۰ ق.
۱۰. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق.

Mehrabian, A. (1971). Silent Messages. Wadsworth.